

نگاهی به جایگاه تمدنی دارالاحسان سنندج در دوره قاجاریه

جمشید منتشلو^۱، شهربانو دلبری^۲، نصرالله پور محمدی املشی^۳

^۱دانشجو دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه آزاد مشهد و مدس دانشگاه فرهنگیان سنندج

^۲استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

^۳دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

نویسنده مسئول jamshid.mantashloo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

چکیده

مسجد دارالاحسان از جمله مساجدی است که علاوه بر وظیفه اصلی و مهم آن در امر عبادت، نقش آموزشی و فرهنگی آن در استان کردستان دارای اهمیت بسیار زیادی است، و با دارا بودن موقوفات زیاد موفقیت‌های زیادی در این زمینه داشته است. سؤال اصلی درباره چگونگی و حدود جایگاه آن در کردستان دوره قاجاریه می‌باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد جایگاه این مسجد و بانی آن وسیع‌تر بودن او، بیشترین نقش فرهنگی و آموزشی و پرورش علما و فقها در این زمینه در دوره قاجاریه داشته است. تلاش شده است تا بر اساس سند موقوفات و منابع محلی با روش توصیفی-تحلیلی، کارکرد این مسجد و موقوفات آن در کردستان دوره قاجاریه مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه: مسجددارالاحسان، موقوفات سنندج، امان الله خان اول، فعالیت‌های آموزشی، قاجاریه

مقدمه

کارکرد فرهنگی و علمی وقف در کردستان از دوره صفویه تا قاجاریه و حتی پس از آن بیشتر در حوزه مذهبی مساجد مشاهده می‌شود. مساجد معروف و همچنین جوامع کردستان به تبع اوضاع سیاسی و مذهبی، مورد توجه والیان، خوانین و دیگر اشخاص مهم و ثروتمند قرار می‌گرفت. در واقع یکی از کاربردهای وقف در کردستان این است که وقف توانسته است فرهنگ دینی و مذهبی مردم را از طریق آموزش و فرهنگ سازی گسترش دهد و آن را از گزند حوادث حفظ نماید. در دوره صفویه و پس از آن در سایه موقوفات، نه تنها مساجد بسیاری در شهرها و روستاهای کردستان ساخته شدند، بلکه مساجد پیشین نیز بازسازی گردید و با افزوده شدن نمادهای مذهبی و غالباً نصب کتیبه‌ای که گویای نام بانی، زمان مرمت و ستایش بانی یا والی زمان بود، کارکرد آموزشی و مذهبی مساجد نیز شدت گرفت. بیشتر واقفان با توجه به کارکرد مسجد-مدرسه، بناهای دیگری مانند سقاخانه، آب انبار و حتی غسلخانه می‌ساختند و آن را جایگاهی برای عبادت و استفاده طلاب و سایر مردم اختصاص می‌دادند. بنا به گزارش منابع تاریخی و زندگی‌نامه‌های علمای مشهور، بیشتر علما و فضلاء کردستان در همین مساجد-مدارس وقفی به علم و معلومات خود افزودند و در مساجد وقفی به پند و موعظه مردم و انتقال دانش و علوم اسلامی می‌پرداختند. (وقایع نگار، ۱۳۸۴، ص ۳۴) از جنبه فرهنگی، نقش موقوفات کردستان در گسترش و تجهیز مراکز دینی و فراهم آوردن توانایی اقتصادی برای علمای این منطقه، این امکان را فراهم آورد تا به عنوان نهادی اجتماعی- فرهنگی نه فقط گره‌گشای مشکلات اقتصادی جامعه محلی باشد، بلکه جایگاه مساجد را به عنوان مراکز علمی و آموزشی برای مردم و طالبان علم و دانش نهادینه نماید. از مهمترین امور فرهنگی وقف، کارکرد مذهبی آن در استان کردستان است، در این نکته که وقف مرهون دین و مذهب است، هیچ شکی نیست. لذا وقتی به مظاهر وقفی نگاه می‌کنیم به طور آشکار می‌بینیم که این نمادها جلوه‌های دین هستند و واقفان برای حفظ و پاسداری از آن اموال و دارایی خود را بخشیده‌اند. بدون تردید آنچه که در هدف و نیت اولیه واقفان کردستان در میان همه کارکردهای وقف مد نظر بوده است، جنبه مذهبی وقف می‌باشد. این بعد معنوی به تناسب اعتقادات و باورهای واقفان به مراتب بیش از دیگر ابعاد وقف بوده و حتی بنا به منابع محلی نوعی رقابت معنوی هم در این باره میان واقفان و خیرین وجود داشت. آنچه که می‌توانست این نیت و هدف را به بهترین شکل، مشروعیت و محبوبیت اجتماعی جلوه دهد، مساجد بودند که با توجه به جایگاه آنها در میان جامعه مورد توجه واقفین قرار می‌گرفت. علاوه بر مساجد، برگزاری مراسم مذهبی، کمک به فقرا و مستمندان، خیرات و مبرات، توجه به ائمه جماعات مساجد، عتبات عالیات و اهداف مذهبی دیگر در نیت واقفان جای داشته است. مسجد دارالاحسان سنندج از دوره قاجاریه تا زمان حاضر را می‌توان یکی از فعالترین مساجد تاریخ کردستان نامید، که گذشته از امر عبادی به مسائل آموزشی نیز توجه داشته است و بسیاری از علمای کردستان از این مسجد

بهره مند شده و منشا خدمات شایسته‌ای شده‌اند. تاکنون به لحاظ پژوهشی در جایگاه آموزشی و فرهنگی این مسجد در کردستان دوره قاجاریه تحقیق مستقلی به عمل نیامده است و آنچه بیشتر در این باره نگاشته شده بحث هنری و معماری این مسجد بوده است که در مقالاتی مانند هنر و معماری مسجد دارالاحسان اثر محمد ابراهیم زارعی و حسن کریمیان مطالب مفصلی درباره معماری این مسجد می‌توان مشاهده کرد. بنابراین تلاش و ارزش تحقیق حاضر در بازنمایی جایگاه آموزشی و فرهنگی این مسجد در کردستان دوره قاجاریه است که در واقع امروزه نیز این جایگاه کمابیش و البته به لحاظ سیاسی محلی تداوم دارد. در این مقاله ابتدا برای تقویت بحث به گرایش‌های شیعی موسس این مسجد یعنی امان الله خان اردلان اشاره می‌گردد، سپس ضمن بررسی اسناد وقفی مربوط به آن، تبیین و تشریح کارکردهای آن در دوره مورد نظر مورد توجه قرار می‌گیرد و به جنبه‌های آموزشی و عبادی آن هم اشاره می‌گردد.

امان الله خان و مذهب شیعه

از جمله خاندان‌های حکومتگری که مدت مدیدی در قسمت‌های از کردستان حکمرایی کردند، خاندان اردلان بودند که از نیمه ی قرن هفتم تا اواخر قرن سیزدهم هجری، بر این خطه از ایران حکومت می‌کردند. سران این خاندان در منطقه‌ای که با نام اردلان یا کردستان اردلان در منابع شهرت یافته است، از همان آغاز حکومت صفوی با توجه به جایگاه حساس مرزی و موقعیت جغرافیایی قلمرو خود، در منازعات ایران و عثمانی به ایفای نقش پرداختند. سوگیری آنها، گاه در جهت همگرایی با حکومت صفویه و گاه در تضاد و واگرایی با حکومت مرکزی صفویه بود. سران اردلان برای برخورداری هرچه بیشتر از امتیازات مقام والی و ورود و ارتقا در هرم قدرت دولت ایدئولوژیک صفوی - که یکی از مهم‌ترین شروط آن داشتن مذهب تشیع بود - به صورت ظاهری به تشیع گرایش نشان دادند؛ اما مذهب تشیع بعدها در میان فرزندان و نوادگان این خاندان عمق بیشتری یافت؛ به طوری که بیشتر سران این خاندان در عصر قاجار بر مذهب تشیع بودند. با این حال روند گرایش به تشیع در میان اردلان‌ها که از دولت صفویه به عنوان حامی و مروج اصلی مذهب تشیع آغاز گردید، در دوران افشاریه، زندیه و قاجاریه با حمله‌ی افغانه و محاصره اصفهان در سال ۱۱۳۵ق به شدت کاهش پیدا کرد و از بین رفت. جانشینان صفویان، یعنی حکام افشاری و زندیه نیز گرچه خود شیعه بودند، اما همانند صفویان تعصبی نسبت به شیعه و ترویج آن نداشتند. حاکمان قاجار نیز با اینکه شیعه و در میان مردم به حامیان مذهب شیعه مشهور بودند، اما همانند صفویان در امر دین سختگیر نبودند. با این وجود در ساختار سیاسی حکومت‌هایی که بعد از صفویه روی کار آمدند، برای ورود به هرم قدرت و کسب نفوذ، شیعه بودن اصل لازم و ضروری نبود و ساختار سیاسی مرکزی اجازه‌ی ورود پیروان دیگر نحله‌های اسلامی را به هرم قدرت می‌داد و اردلان‌ها می‌توانستند بدون تظاهر به شیعه بودن، از امتیازات والیگری برخوردار شوند، اما حاکمان و سران این خاندان، همچنان به سمت شیعه گرایش پیدا می‌کردند و شیعه می‌شدند. این امر خود حاکی از نفوذ عقاید شیعی در اندیشه‌ی افراد این خاندان است. بنا بر نوشته‌ی عبدالقادر بابانی در کتاب سیرالاکراد، خسروخان اردلان (۱۱۶۵-۱۲۰۵ق) مشهور به خسرو بزرگ که در اواخر عصر زندیه و اوایل عصر قاجاریه بر کردستان اردلان حکومت می‌کرد و در این دوران هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی، ایامی چند به توسعه طلبی ارضی در نواحی غربی کشور مشغول بود، بر مذهب تشیع بوده است (بابانی، ۱۳۷۷، ص ۵۵) انتقال جسد خسروخان اردلان به نجف اشرف و خاکسپاری آن در ایوان طلا در نجف نیز این گفته‌ی سیرالاکراد را تأیید می‌کند (سنندجی، ۱۳۶۶، ص ۴۹-۵۰). نویسنده‌ی کتاب «حدیقه امان الهی» که در واقع تذکره‌ی شعرای منطقه اردلان است، ضمن شرح حال حسین قلی خان اردلان، متخلص به «حاوی» فرزند امان الله خان اردلان (۱۲۱۴-۱۲۴۰ق)، والی و حاکم مشهور اردلان، اشعار متعددی از وی نقل کرده است که تردیدی در گرایش وی به تشیع باقی نمی‌گذارد؛ از جمله درباره واقعه غدیر در اشعار حسین قلی خان این چنین آمده است: آن که فرمان ولی عهدی او را احمد... بر امم خواند به فرمان خدا روز غدیر (رونق عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴، ص ۲۱۱) همچنین قصیده‌ی دیگری را به حسین قلی اردلان نسبت داده اند که گویا در زندان سروده است و ضمن آن، شاعر از حال و روز خود در زندان گله و شکایت بسیار کرده، تصریح می‌کند: «قوم ظلوم که بغض حیدر به درون زینت ایمان دانند، به گناه اینکه وی تولای علی بعد نبی است، او را چنین آزار داده اند». او در ادامه‌ی قصیده، به توصیف صفات حضرت علی و سوابق و خدمات او در اسلام و نیز شرح جریان درگذشت پیامبر اسلام و قضایای سقیفه و فدک می‌پردازد (همان). این قصیده نشان می‌دهد شاعر که از حاکمان خاندان اردلان بوده بر مذهب تشیع بوده است. قصیده دیگری نیز از این شاعر نقل شده است که در ضمن آن، خدا را به چهارده معصوم سوگند می‌دهد که از گناهان وی درگذرد. لحن و زبان شاعر در این قصیده، منطبق با ادبیات شیعه است و فرضیه‌ی اعتقاد حسین قلی خان اردلان را به تشیع تقویت می‌کند (همان، ص ۲۰۳) همین منبع، قطعه‌ی شعری را به خسرو دوم نسبت داده است که احتمال گرایش وی را به تشیع تقویت می‌کند. یا رب تو آگهی که نباشد به روز حشر... جز مهر آل پاک علی اعتبار ما (همان، ص ۲۸۹) امان الله خان ملقب به بزرگ (۱۲۱۴-۱۲۴۱ ه.ق) مدت ۲۷ سال حاکم کردستان بوده است. این دوره مقارن با حکومت فتحعلی شاه قاجار می‌باشد (صفی زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹) درباره امان الله خان بزرگ که بانی مسجد دارالاحسان می‌باشد قرینه‌ای در دست است که فرضیه‌ی گرایش وی را به تشیع تقویت می‌کند. نویسنده حدیقه امان الهی از نامه‌ی پادشاه هندوستان به امان الله خان اردلان یاد می‌کند و متن کامل نامه را می‌آورد. مضمون نامه درخواست کمک پادشاه هندوستان از والی برای مقابله با انگلیس است. نویسنده‌ی نامه از امان الله خان با صفت «پیروان هشت و چهار رضوان الله تعالی علیهم اجمعین خاصه آن ولایت پناه» یاد کرده است (همان، ص ۵۰). اینگونه به نظر می‌رسد که شیعه بودن امان الله خان آنقدر واضح و معلوم بوده است که حتی حاکم هندوستان نیز که در فاصله‌ی مکانی بسیار زیادی از حاکم اردلان قرار داشته، از شیعه

بودن او آگاه بوده است. علاوه بر آن، پیکر امان الله خان اردلان، همچون اسلافش در نجف اشرف به خاک سپرده شد، که این نیز دلیل دیگری بر شیعی بودن این والی بزرگ اردلان است. مستوره اردلان آورده است: پیکر محمدحسن خان پسر امان الله خان اردلان، برای دفن به نجف منتقل شده است. وی همچنین از نجف به عنوان مدفن ولات عظیم الشأن و اجداد و اعظام آن نوجوان یاد کرده است (مستوره اردلان، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). مصحح کتاب تاریخ اکراد مستوره اشاره کرده است: در ایوان طلای مرقد مطهر حضرت علی حجره ای به نام والیان اردلانی قرار دارد که به ترتیب خسروخان بزرگ، خسروخان ناکام، والیه خانم، رضاقلی خان، امان الله خان، غلام شاه خان و تعدادی دیگر از بزرگان خاندان اردلان در آنجا دفن شده اند (همان، ص ۱۷۴). شیعه بودن سران و حاکمان اردلان تا آن اندازه امری آشکار بود که براساس باورهای رایج کردستان، مردم معتقد بودند اردلان ها منتخبان امام حسن مجتبی هستند و فرهاد میرزا عموی ناصرالدین شاه که اولین حاکم غیر بومی پس از خاندان اردلان بود بیماری اش را نشانه ی غضب خداوند دانست. (سنندجی، ۱۳۶۶، ص ۱۲۷۵/هدایت، ۱۳۸۰، ص ۹۸۶). با وجود آنکه تشیع در میان سران و بزرگان خاندان اردلان خیلی زود رویه ی اعتقادی پیدا کرد و روز به روز بر عمق و نفوذ تشیع در میان خاندان اردلان افزوده می شد و سران این خاندان در مقام حکمرانی میرنشین اردلان، اهرم قدرت را در دست داشتند، نتوانستند تشیع را در میان مردم تبلیغ کنند و آن را گسترش دهند؛ زیرا اهالی کرد این میرنشین از قرن ها قبل بر مذهب اهل سنت بودند و در مذهب خود آنچنان استمرا داشتند که حتی اعلان مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور از سوی شاهان صفوی و اعمال فشار آنها برای شیعه کردن ساکنان ایران زمین نیز نتوانست موجب ترویج آیین تشیع در این حوزه ی جغرافیایی شود؛ علاوه بر آن والیان اردلان به عنوان مجریان سیاست های حکومت مرکزی، همواره بیم داشتند در صورت اعمال هرگونه فشار و یا حتی ترویج آشکارا و گسترده ی مذهب تشیع، موجبات هراس و نارضایتی مردم را فراهم آورند و زمینه ی لازم برای سلاطین عثمانی و عمال آنها در منطقه فراهم شود تا کردهای ساکن این ایالت را به بهانه ی مذهب، در مسیر واگرایی با سیاست های دربار صفوی و اردلان، تشویق نمایند. از طرفی دیگر چون رعایا و عامه ی مردم کردستان، پایگاه مهم قدرت و مشروعیت حاکمان اردلان مانند امان الله خان بودند و نیروی نظامی آنها در واقع ترکیبی از رعایا و ساکنان کردستان بود، سران این خاندان مصلحت نمی دیدند با طرح مخالفت با مذهب عامه، خود را از این نیروی مردمی و پایگاه مهم محروم سازند. چنانچه منابع تاریخی نیز اذعان کرده اند، حاکمان شیعی مذهبی که به مقام والیگری اردلان رسیدند و سعی در ترویج مذهب تشیع داشته اند، با مخالفت عامه ی مردم روبرو می شدند و این امر زمینه-ی عزل آنها را فراهم میساخت. (بابانی، ۱۳۷۷، ص ۷۸-۸۵) بنابراین با توجه به همین سیاست، امان الله خان اقدامات عمرانی، اجتماعی و مذهبی زیادی در دوران والیگریش در کردستان انجام داد که چهره او را مشهورترین حاکم اردلان در میان مردم و منابع تاریخی نمایانده است. ساخت مسجد دارالاحسان و وقف روستاها، اراضی زراعی و باغات به آن، بزرگترین خدمت مذهبی و فرهنگی امان الله خان در کردستان دوره قاجاریه بود که تاثیر زیادی در توسعه فرهنگی و آموزشی و نیز انسجام مذهبی و اجتماعی کردستان به خصوص در شهر سنندج داشت.

مسجد جامع دارالاحسان

مسجد دارالاحسان در ضلع شمالی خیابان امام خمینی (ره) و در بافت قدیم شهر سنندج قرار دارد. به نظر می رسد که موقعیت مسجد نسبت به گذشته متفاوت بوده است. مسجد اکنون برروی یک کرسی چینی (سکو) متصل به خیابان قرار دارد و دسترسی به آن از طریق چند پله از سمت خیابان امکان پذیر است؛ درحالی که معمولاً مساجد قدیمی شهرهای دیگر به دلایل ساخت و سازهای شهری جدید، عموماً در سطح پایین تری از خیابان و کوچه های پیرامون واقع شده اند. این امر نشانگر اهمیت توجه به مکان یابی ساخت مسجد در جایگاهی مناسب است و نشان می دهد که فیزیک و توپوگرافی شهری سنندج این امر را میسر ساخته است که مسجد در نقطه ای قرار گیرد که با گذشت حداقل بیش از دو سده از زمان ساخت بالاتراز سطح خیابان اصلی مقابل آن قرار گیرد. همان طور که از نام این مسجد مشخص است، مسجد- مدرسه دارالاحسان ترکیبی از مسجد و مدرسه است. این بنا دارای یک حیاط، ششستون ستون دارودایوان است که یکی روبرو شرق دارودیدگری روبرو سمت قبله، حجره ها، مدرسه ها، مدخل ورودی، راهروهای جانبی، فضای مرده شوی خانه ودومناره این بنا، برروی ایوان روبرو شرق (ضلع غربی حیاط مدرسه) ساخته شده است. در پیرامون حیاط مدرسه حجره هایی با ایوانچه هایی در مقابل آن هادیده می شود. در وسط این حیاط حوض آبی تعبیه شده که آب آن از قنات معروف به مسجددارالاحسان تامین می شده است. ایوان روبرو شرق مسجد که در ضلع غربی حیاط مدرسه قرار دارد، علاوه بر عملکرد یک ایوان باشکوه، مدخل ورودی به داخل ششستون مسجد است. به طور کلی، در نگاه نخست این بنای باشکوه به صورت یک بنای یک ایوانی از نظر سبک شناسی مساجد ایرانی محسوب می شود. البته این نکته قابل توجه است که مسجد ایوانی روبرو جنوب نیز دارد که دومدخل در آن تعبیه شده است. چون این مدخل هادر طرفین محراب قرار دارند؛ احتمالاً راهی برای ورود و خروج والی یا مقامات سیاسی و دینی بوده اند و بعد به نظر می رسد که راه ورودی عامه مردم بوده باشد. به اعتقاد برخی از مورخین محلی امان الله خان والی بزرگ کردستان قصد ساخت فضاها و حیاطی در مقابل ایوان جنوبی که اکنون محل خیابان و ساختمان های پیرامون است، را داشته ولی موفق به انجام آن نشده است. (سنندجی، ۱۳۶۶، ص ۴۸) البته شاید این سبک معماری، خاص مساجد منطقه کردستان باشد که در زمان والیان در این منطقه مرسوم شده است. در این سبک معماری، یک ایوان روبرو سمت شرق در حیاط مدرسه و ایوانی روبرو سمت جنوب در قسمت جنوبی مسجد تعبیه می شده است. شاید این امر متأثر از معماری شمال غرب ایران باشد که بناها عموماً ایوانی ستوندار رو به سمت جنوب دارند. این سبک معماری در مناطق آذربایجان، کردستان، همدان رایج بوده است. اما در اینجا این نوع معماری در مساجد- مدرسه مرسوم شده و به ویژه این سبک در طراحی و ساخت مسجد- مدرسه دارالاحسان به خوبی

اجرا شده است. در ضمن اینکه احتمالاً این درگاه‌ها برای خروج فوری نمازگزاران پس از نماز ساخته شده باشند، نیز چندان بعید به نظر نمی‌رسد. یعنی برای عبور و مرور از حیاط مدرسه نباشد و در مواقع خطر، تخلیه جمعیت مسجد با سرعت بیشتری صورت گیرد. احتمال دیگر این است که در فصل تابستان و گرما، توسط این درگاه‌ها تهویه هوا به راحتی صورت می‌گرفته است. علت عدم وجود انتظام در پلان هم شاید به دلیل موفق نشدن در تکمیل مسجد-مدرسه باشد. زیرا به طوری که در بالا اشاره شد، مسجد قطعاً گسترش می‌یافته و این عدم انتظام با گسترش مسجد در ضلع جنوبی رفع می‌شده است. مدخل ورودی بنا که به صورت یک درگاه نسبتاً بزرگ و با دروازه‌ای چوبی است، در اصل مدخل مدرسه محسوب می‌شود و زنجیری بر آن نیز آویزان است که ظاهراً گاهی محلی برای بست هم بوده است. در پشت این درگاه یک هشتی به چشم می‌خورد. در ضلع جنوب شرقی حیاط مدرسه، سرویس‌های بهداشتی مردانه و زنانه تعبیه شده است و در ضلع شمال شرقی آن فضای مرده شوی خانه قرار دارد که به صورت شبستانی بادوستون آجری و طاق و چشمه طاق‌های آجری است. علاوه بر حجره‌های پیرامون حیاط مدرسه، راهروهایی به صورت قرینه در اطراف ایوان شرقی تعبیه شده که برای ورود و خروج مدخل صحن شبستان در هنگام ازدحام نمازگزاران است. البته در ضلع غربی شبستان روبه‌کوچه ضلع غربی مسجد نیز مدخل‌هایی با در چوبی دیده می‌شود؛ که احتمالاً مرتبط با موضوع مورد اشاره است. مسجد دارای دو گل دسته و به عبارتی دومناره بر روی ایوان شرقی است که از طریق پله‌هایی به بخش فوقانی آنها امکان دسترسی وجود دارد. مناره‌ها خیلی مرتفع نیستند و در حقیقت در مقاطعی هفتادسال پیش تعمیر شده‌اند. دو کتیبه بر روی این گلدسته-ها نصب است. یکی روی مناره سمت راست که در زمان تعمیر مسجد توسط استادالله مراد انجام شده و دیگری قطعه شعری است مربوط به ناطق اصفهانی که تاریخ سال ۱۲۲۶ هـ.ق را دارد و بر روی گل دسته سمت چپ نصب شده است. به طور کلی این بنا دارای دو بخش عمده مدرسه شامل میانسرا (حیاط)، مدخل ورودی و هشتی، حجره‌ها و ایوانچه‌های پیرامون، مدرسه‌ها، سرویس‌ها و فضای مرده شوی خانه و مسجد شامل ایوان‌های شرقی و غربی، شبستان ستون دار، راهروهای جنب ایوان شرقی، دوبالاخانه و مناره‌ها است. در مصالح ساختمانی مسجد دارالاحسان به مواردی از جمله سنگ‌های مرمرارزه‌ها، ستون‌های داخل شبستان و به طور کلی بخش‌های عمده مسجد-مدرسه که از محلی به نام قصلان تامین می‌شده، اشاره شده است. (زارعی، ۱۳۸۴، ص ۸۲) قصلان هم اکنون یکی از نقاط مهم استان کردستان واقع در شهرستان قروه در جهت تامین سنگ‌های مرمرارزه و در گذشته نیز معادن بسیار غنی سنگ مرمر داشته که در ساخت بناهای بسیار در داخل شهرستان از آن استفاده می‌شده است. البته در برخی متون به آوردن کاشی کاروحتی کاشی از اصفهان نیز اشاره شده است. اما بقیه مصالح مانند سنگ، آجر، چوب، گچ و آهک از محل تامین می‌شده است. چون که در محل کوره‌های آجرپزی خوبی وجود داشته است. ولی بعید به نظر نمی‌رسد که کاشی‌ها را در این شهر ساخته باشند. در واقع اکثر مصالح مورد استفاده در بنا به جز کاشی‌ها از مصالح بوم آورد یا محلی بوده است و در بررسی‌ها مشخص شد که بیشتر آن‌ها در محل تامین شده‌اند. در حقیقت تلاش بسیاری برای استفاده از مصالح بوم آورد صورت گرفته و در این زمینه توفیق بزرگی به دست آمده است. به هر حال متون تاریخی محلی کردستان در دوره قاجاریه درباره سنندج و آبادانی و عمارت‌های آن قلم فرسایی کرده‌اند که در این میان مسجد دارالاحسان را به خاطر جایگاه بلندش، دارالملک کردستان توصیف کرده‌اند. (میرزا حسین بیگی ۱۳۶۷/۳۰) وجه تسمیه این مسجد از مصرعی که در یکی از کتیبه‌های وجود دارد آشکار است که: (بهر احسان چون بنا شد این مقام از عون حق / دارالاحسان نام کردش والی اعلی‌نگین) بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که دارالاحسان بیشترین موقوفات را نسبت به سایر مساجد دارد. امان‌الله خان بزرگ^۱ بانی این مسجد می‌باشد که در سال (۱۲۲۸ هـ.ق) آن را ساخت. کاشی‌کاری دارالاحسان معروف بوده و شبستان آن بیست و چهار عدد ستون سنگی دارد. دو ایوان بزرگ یکی رو به قبله و دیگری رو به مشرق در این مسجد نمایان است.^۲ روزهای جمعه در این مسجد نماز جمعه خوانده می‌شود و این در واقع جایگاه و کارآیی اجتماعی آن را بهتر تبیین می‌نماید. (نجفی ۱۳۶۹/۴۴۴) در جنب این مسجد مدرسه‌ای وجود دارد که دو اطاق بزرگ و یک اطاق مدرس و ده حجره را شامل می‌شود. در قصیده‌ای از مرحوم خرم کردستانی بر کتیبه ایوان شرقی این بنا بر مسجد و مدرسه بودن آن تاکید شده است. (وقایع نگار/ ۱۳۸۴ / ۳۱)

کرد از عون و عنایتهای ربّانی بنا
مسجدی و مدرسی در این ملطف سرزمین
وه چه مسجد، منهج اعطای فیض ایزدی
وه چه مدرس، کاشف احکام رب العالمین

^۱ - یعنی امان‌الله خان اردلان پسر خسرو خان اول و پدر خسرو خان دوم. این خسرو خان داماد فتحعلی شاه بود و زن او حسنی جهان خانم ملقب به والیه بود.
^۲ - این مسجد در سال ۱۲۲۶ (ه.ق) به فرمان امان‌الله خان اول -والی کردستان- تأسیس شده و در حوالی ۱۲۳۰ (ه.ق) احداث آن به پایان رسیده است. بنای این مسجد شامل یک شبستان بزرگ با ۲۴ ستون سنگی؛ ۳۵ گنبد و دو ایوان شرقی و جنوبی است که هر دو به طرز زیبایی کاشیکاری شده است. حیاط مدرسه‌ی مسجد با ۱۲ حجره و ۲ بالاخانه؛ حوض حیاط مدرسه؛ دو گلدسته‌ی کاشیکاری شده بر فراز ایوان شرقی؛ دو ثلث قرآن بر کتیبه‌ی دور مسجد و دو ایوان و گرداگرد ستونهای سنگی شبستان مسجد خوشنویسی شده است. میرزا فتح‌الله خرم کردستانی، ماده تاریخ بنای مسجد و مدرسه‌ی دارالاحسان، در فاصله زمانی پنج سال (از سال ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۰ هجری قمری) را در سروده‌ای به یادگار نهاده که بر سر در ایوان شرقی مسجد نقش بسته است:
مصرع اول دهد از سال بنیادش خبر: «فرا یزد باشد از این مسجد و مدرس عیان» (۱۲۲۶)
مصرع ثانی است تاریخ دوم سال از بنا: «باد دایم دارالاحسان امان‌الله خان» (۱۲۲۷)
از سوم مصرع، سوم سال بنای آن بگو: «گشت این مسجد بنا از لطف حی لامکان» (۱۲۲۸)
چهارمین مصرع بود تاریخ سال چارمین: «شد بنای این رواق از والی والا نشان» (۱۲۲۹)
پنجمین مصرع نشان سال اتمامش بود: «باد این مأوا محل فیض یزدان جاوان» (۱۲۳۰)

متولی مسجد و مدرسه شیخ مدرس است. هزینه‌های تحصیلی طلاب و مستمری و حقوق مدرسین این مدرسه و نیز هزینه نگهداری و مرمت آن از درآمد باغهای روستای «خلیجیان» واقع در شمال شهر سنجق که به امر امان‌الله خان والی به این منظور اختصاص یافته بودند تأمین می‌شد. در دوره قاجاریه سالی دویست الی سیصد تومان مداخل آن موقوفات بوده است و نزدیک بیست نفر طلبه در آن مدرسه تحصیل می‌کردند. (اعتماد السلطنه/۱۳۶۷/ج ۴/۲۰۳۴) طبق سند موقوفه موجود، مسجد دارالاحسان در واقع بزرگترین مسجد-مدرسه کردستان محسوب می‌شد که روستاها و باغات مهمترین موقوفات آن بودند. این مسجد حضور مردم در روزهای جمعه را با تقویت روابط اجتماعی و مذهبی و سیاسی مردم با یکدیگر و با حکومت محلی را سبب می‌گردید. ندور و موقوفاتی که به تدریج بر اثر اهمیت آن به این مسجد وقف شده است، همواره برای مردم بازتاب اجتماعی داشته است و در مجالس مذهبی و اجتماعی کارکرد رقبات وقفی این مسجد نقل و قول عام و خاص بود و در این میان حضور طلاب و ارتباط تنگاتنگ آنها با مردم روابط اجتماعی را تقویت می‌کرد.

سند موقوفه مسجد دارالاحسان

- ۱- نام واقف: امان اله خان اردلان والی
- ۲- نوع وقف: عام
- ۳- نوع سند: وقف نامه
- ۴- رقبات موقوفه: ششدانگ قریه خلیجیان- و یک قطعه باغ در سنجق
- ۵- تاریخ تنظیم: ربیع المولود ۱۲۳۴هـ ق
- ۶- مصارف: وقف بر مدرسه و مسجد دارالاحسان
- ۷- شرایط تولیت: اول نفس خود بعد ارشد اولاد نسل بعد نسل
- ۸- محل وقوع: سنجق

" بعد الحمد و الصلوة غرض از تحریر این حروف شریعت آیات، این که در دارالامتحان دنیا سعادت‌مند کسی را توان گفت که در مدت چند روزه ایام حیوة به اشاعه برو حسنات و بذل و خیرات و موقوفات که صدقه جاریه عبارت از آن است، بهره مندند و از سعادت ابدی و سرمایه افزای سرمدی بوده که ثمر زندگانی همین و نتیجه دولت جز این نیست. در این اوان میمنت اقتران، بندگان ذی شوکت و شأن دولت و اقبال، هم عنان بساط امن و امان، طالب الحسنات و با بذل الخیرات، الوالی من الوالی بن والی، امان الله خان اردلان والی و الاشان کردستان ادام الله اجلاله و اقباله الی مدیر زمان محضاً لله و طلباً همه گی و تمامی و جمله گی ششدانگ قریه خلیجیان، من محال حسن آباد بجمیع مافیها و احاطت الحدود المفصله فی الضمن بها از آب و زمین و باغات مو و سر درختی و غیرها بحیث لایخرج شی عنها که از قرار قباله ضمن به مبیاعه شرعی و مبادره مرعیه اسلامی به حباله ملکیت و حقیقت درآورده بود، بر مسجد و مدرسه مبارکه دارالاحسان خلد بنیان که از مستحدثات وافیه رفیعیه بندگان واقف عظیم الشان است، وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد مرعی فرمودند بحیث لاتباع و لاتنورث و لاتوجر من سنه و وفقاً صحیحاً شرعياً جامعاً لشرایط و الارکان و تولیت مادام الحیوة به نفس نفیس خود و بعد به ارشد اولاد خود بطناً بعد بطن و نسل بعد نسل، محول و موکول فرمود که چنانچه شاید دقت تمام به عمل آورده به گماشتن ناظرین و مباشرین متدین امین، مداخل آن را ماکان و سیکون ضبط و جمع نموده به انضمام موقوفات دیگر صرف حوائج و طلبه و مدرس و خدمه مؤذن مسجد مبارکه نمایند و از قرارداد بندگان واقف اهمال نوزند. تحریراً فی شهر ربیع المولود سنه ۱۲۳۴ بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی خیر خلفه سیدنا و حبیبنا و شفیع ذنوبنا محمد و آله اهل طیبیه الطاهرینا جمعین و صبحه ششدانگ قریه خلیجیان راه، مع جمیع باغات و اراضی و آب و کهریز و رودخانه و یتعلق بها، وقف صریح مؤبد شرعی، به مسجد و مدرسه احداثی این نیازمند درگاه الله، موسوم به دارالاحسان نمودم که مخصوص مصارف آن را صرف مسجد مدرسه مبارک بنماید. و بعد هم به ارشد و اعقل اولاد آن محول است که انشاء الله موافق حساب الهی است متوجه و منافع آن را به موقوف علیهم عاید سازند. و همچنین یک قطعه باغ احداثی خود راه، واقع در طرف شرقی شاری که در باغخانه داخل قصبه می شود، به طریق مزبور وقف مؤبد صریح مسجد مبارکه دارالاحسان مذکور کردم که داخل موقوفات مسجد است. و کان ذلک فی شهر ربیع المولود اللهم بارک لی بحق سید المرسلین و له هذه الشهر مبارک سنه ۱۲۳۴ محل امضاء مرحوم امان الله خان والی- نواب مستطاب فجا نسب عالی ادام الله اقباله ششدانگ قریه خلیجیان را با یک قطعه باغ واقع در جنب شرقی شاری که از باغخانه داخل می شود چنانچه به خط مبارک زیب تحریر یافته وقف به مسجد دارالاحسان فرمودند محمد حسن اللهم بارک بحق محمد- نواب مستطاب فلک جانب عالی ادام الله اقباله ششدانگ قریه خلیجیان را با یک قطعه باغ واقع در جنب شرقی شارع که از دباغخانه وارد قصبه چنانچه به خط مبارک زیب تحریر یافته وقف مسجد و مدرسه دارالاحسان فرمود محمد صادق اللهم بارک به حق محمد- بندگان واقف عظیم الشأن ادام الله اجلاله محضاً لله و ابتغاء لوجه الله تمامی ششدانگ قریه خلیجیان را با قطعه باغی واقع در طرف شرقی راهی و شاری که از دباغخانه وارد قصبه محروسه می شود چنانچه به خط مبارک عالی زیب نگارش یافته وقف مسجد و مدرسه مبارکه دارالاحسان ساخته و در خصوص کثیر صیغه را جاری فرمودند و انا من الحاضریں الداعی عباس. موقوفات موصوف مادام الحیوة در تدبیر ید بندگان واقف منیرالضمیر ثم لکن التأخیر الذی تقبیده لفظه ثم هتا کالف مما تعدون در دست ارشد اولاد و اصلح احفاد امجاد عالی که خراب آباد عالم یاد معمور بر این اولاد ساعی تا دم صور بوده باشد جری ذلک فی شهر ذی قعدة الحرام المنتظم فی ملک مشهور سنه الف و ماء تین و ثمانین و ستین من الجهره النبویه المصطفویه علی هاجرها الف صلوة و سلام و تحیه فی سنه ۱۲۶۸- بسم الله خیر الاسماء کناواقفین و الناذر المتعالی بوقف ما زبر و نذر ماسطر حسبما فصل و حرر لدی الداعی محل مهر ملا احمد شیخ الاسلام (طاب ثراه) اقرا الوقف بما وقفه بالطریق الایق للشریعه الحمدیه علیه الف صلوة و التحیه و هذا الوقف قاطع للعقودات مادامت الارضون و السموات حرره الداعی تراب اقدام الفقهاء محل مهر مرحوم شیخ محمد حسین (طاب ثراه) من الواقفین علی ما صدر من

الواقف العظیم الشأن الرفیع البیان فالوقف جار علی نحو الشریعه الغراء و المله البیضاء وای قریه خامسان فانها منذوره لاموقوفه و انالداعی لدوله عمره و اقباله محل مهر ملا فخر الدین مدرس (طاب ثراه) وضح وضح جمیع ما سطر و حرر فی المکنون و انا الداعی المرتب لتلك الكلمات و المبانی اقل العلماء و الفقهاء محمد و سیم الثانی محل مهر مرحوم شیخ و سیم (طاب ثراه) رق منشور و کتاب مسطور ناطق بالصواب علی تفصیل ذهب فی جداول الكتاب و انا الداعی التکلمین محل مهر مرحوم شیخ محمد فخر العلماء (طاب ثراه) از خود نواب مستطاب مدظله العالی چگونگی وقف را شنیده ام العبد المنذوب این مرحوم و الی و الامان امان الله خان محل مهر مرحوم عباسعلیخان طاب ثراه من الواقفین علی الوقف المبارک حسبما فصل المتن محل مهر مرحوم ملاهدایت الله طاب ثراه جرى الوقف المبارک حسبما سطر و فصل فی المتن الداعی الخاطی محل مهر مرحوم ملا فتح الله طاب ثراه سرکار نواب مستطاب بندگان امان الله خان والی مدظله العالی اقرار و اعتراف بر جمیع مراتب مرقومه فرموده محل مهر مرحوم سید میر ابوطالب طاب ثراه- حراالوقف حسبما فی المتن و انا الداعی محل مهر مرحوم شیخ عبدالقادر طاب ثراه من الواقفین علی الوقف المزبور حسبما فصل فی المسطور محل مهر مرحوم میرزا محمد رضای وزیر طاب ثراه اقرارالواقف المظلم و انادر المفخم بوقف و نذر القرى و الا ملاک المسطوره الفصله حسبما فصل و رقم فی المتن و انا الداعی محل مهر ملا محمد سلیم غفرله - این سواد که دارای چهارده امضاء و دوازده قلم رقبه است مطابق اصل است که اصل آن در نزد آقای شیخ محی الدین امین العلماء است." (اصل سند در آرشیو اداره اوقاف کل استان کردستان است) ساختار و شکل این سند از بخشهای مختلف تشکیل شده است. ابتدا حمد و ستایش خدای تعالی کرده است. بعد مدح و تمجید از کار نیکو و وقف را نموده و سپس نام واقف که خود والی باشد را معرفی کرده است. بعد از آن شرایط وقفنامه که بیشتر از عبارت لایبغ و لایوهب بیان می شود آمده است و سپس موقوفه را مشخص کرده است که روستای خلیچیان ششدانگ آن وقف این مسجد است. بعد از آن مصارف موقوفه را اعم از تعمیر و حوائج و امام و مؤذن و خدمه و طلبه و امام جماعت معین کرده و تولیت آن را مشخص کرده است. در پایان شاهدان و گواهانی برای این کار خداپسندان در نظر گرفته اند، بیشتر این گواهان عالمان و دانشمندان با لقب ملا و شیخ مشخص هستند و برخی نیز مانند شیخ محمد که فخر العلماء ملقب است و شخص دیگری به نام شیخ محی الدین ملقب به امین العلماء می باشد. شیخ محمد فخر العلماء فرزند شیخ امام الدین و نوه شیخ محمد جسیم می باشد (مردوخ / ۱۳۹۵/۲۲۷)

جایگاه آموزشی مسجد دارالاحسان

دارالاحسان بعد از احداث در زمان قاجاریه یکی از مساجد مهم سنندج گردید. بطوریکه این مکان در امر عبادی و مذهبی نمایان شد و یکی از مساجد مهم کشور تاکنون محسوب می گردد. بسیاری از مورخان و مسافران از آن یاد می کنند. این مکان به خاطر داشتن این جایگاه مهم عبادی، جایگاه آموزشی مهمی نیز داشته و هنوز هم تقریباً دارد. بطوریکه آوازه دارالاحسان و حضور علما در این مکان باعث جذب دانشمندان و علمایی در کردستان می شد و نقطه اتصال علما محسوب می شد. اهمیت این مسجد جدا از مسجد جامع بودن شهر، موقعیت خاص علمی آن بوده است که طلاب علوم دینی از شهرهای دور و نزدیک جهت فراگیری علوم دینی به این مسجد می آمدند. (قصری/۱۳۸۱/۴۳) در کردستان دوره قاجاریه با همت واقفان و خیرین متدین و مقید به دین و آداب مسلمانی و تابع پیامبر و بزرگان دین اسلام کمر همت درباره ترویج آموزش و علم دانش بستند و مکانها و موقوفاتی درباره این امر مهم اختصاص داده اند. اسناد وقفی در این باره گویای این اهتمام به این امر حیاتی و نیاز مسلمین است. دارالقرآنهایی که امروزه در کردستان رواج دارد، در گذشته های دور هم با اموال وقفی تأسیس و اداره می شد و اساساً گسترش علوم قرآنی و ترویج قرآن در بین مردم مدیون این مراکز قرآنی مانند دارالاحسان است. بدیهی است که تأمین هزینه برخی مدرسه ها و هزینه زندگی برخی عالمان دین و دانش پژوهان و تهیه امکانات آموزشی آنان به صورت نسبی و مقطعی از درآمدهای موقوفات، امری انکارناپذیر است. در جریان تاریخ کردستان، نام عالمان و دانشمندان بسیاری به چشم می خورد که از رهگذر همین موقوفه های آموزشی و فرهنگی به مقام های بلند علمی و درجه های عالی فقاقت و اجتهاد دست یافته اند. جایگاه آموزشی مساجد و مدارس و توجه به اهمیت این دو بنای اسلامی در زمینه فرهنگی، مهمترین کارایی رقبات وقفی کردستان در دوره قاجاریه بوده است، زیرا پایه و مبانی دین و فقه اسلامی به خصوص دو مذهب تشیع و تسنن از این جایگاهها نشأت می گرفت. در این خصوص «جامع دار الاحسان» در شهر سنندج از کهن ترین و بزرگترین مراکز دینی مسلمانان در کردستان است که از طریق عایدات موقوفات آن، در چند سده ی پیشین، نگهداری شده است. این بنای رفیع و با شکوه، هم اینک نیز برجاست و از میراث فرهنگی و دینی این سامان به شمار می رود. (کردستانی / ۱۳۸۱/۷۷) در این مسجد-مدرسه استادان بلند پایه ی علوم دینی برای تدریس علوم و معارف اسلامی از طرف والی دعوت می شدند. (جدول شماره ۱) برای مثال امان الله خان به سال ۱۲۲۸ (ه.ق)، حاج شیخ محمد سعید مدرس ابن شیخ احمد مردوخ را که در علم ریاضی و کلیه علوم رسمی آن عصر سرآمد و استاد مسلم بوده، به مسجد دارالاحسان دعوت نمود و او را در منصب تدریس مستقر کرد و تدریس در آنجا را به داناترین فرزندان خود اختصاص داد. در حقیقت او اولین مدرس دارالاحسان بود که به امر آموزش در علوم دینی و ریاضی مبادرت ورزید. شیخ محمد قسیم کانی مشکانی یکی دیگر از علمایی بود که در این مکان مشغول تدریس شد. او استاد رشته فقه و تفسیر و حکمت بود و همزمان با شیخ محمد سعید تدریس می کرد. شیخ عبدالقادر مهاجر، شیخ عبدالمومن مردوخ، ملا عبدالله مفتی دشی و ملا محمد رشید مدرس میروانی از جمله استادان و مدرسان بودند که در امر آموزش در این مکان مشغول بودند و هر کدام از این عالمان شاگردانی را تربیت کردند و تقدیم جامعه کردستان نمودند. (حیرت سجادی/۱۳۹۱/۲۳۲) از جمله دیگر دانش آموختگان این مسجد، عبدالعظیم مجتهد، آیت الله مردوخ، بدیع-

الزمان کردستانی می‌باشند. عبدالحمید بدیع‌الزمان کردستانی^۳ در سال ۱۲۸۳ هـ. ش در سنندج متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه «ملا عبدالکریم ملا جناب» و مدارس «ملا احمد سقزی»، «احمدیه» و «آلیانس» گذراند. در مسجد خورشید لقا خانم «ایساغوجی منطق» و در مسجد عبدالله بیگ کتاب «کافیه» را نزد شیخ صالح مردوخ و در مسجد جامع سنندج (دارالاحسان) نیز «عوامل و شرح عوام» را نزد ملا محمد مندمی فرا گرفت. البته شایان ذکر است هر کدام از این شخصیتها صاحب نظران علمی بودند که به جهت آشنایی فقط بطور خلاصه شرح حال یکی از عالمان بیان شد. (حیرت سجادی / نامداران ۱۱۱) بزرگترین موقوفه مسجد دارالاحسان، شش دانگ روستای خلیجیان، از محال حسن آباد از توابع سنندج، و نیز یک قطعه باغ بر مسجد و مدرسه دارالاحسان جهت امرامعاش مدرسین و طلاب و خادم و مؤذن و نیز تعمیر مسجد بوده است. کارکرد و هزینه‌های این موقوفه تاکنون پشتوانه هزینه های تحصیلی طلاب و علما بوده است و در این عرصه اساتید و علمای بزرگی به مراتب والای علم و دانش رسیدند. موقوفات این مسجد تخمیناً سالی دویست الی سیصد تومان بوده است که چندین طلبه در آن تحصیل می‌کردند. (اعتماد السلطنه / ج ۴/ ۱۳۶۷/ ۲۰۳۳)

تأثیرات تاسیس دارالاحسان در کردستان

اگر به تاریخ تاسیس این مسجد نگاه کنیم متوجه می‌شویم که حاکم بزرگ این ایالت امان الله خان والی، هدف مهمی که همان توسعه همه جانبه و در راس همه آنها پیشرفت فرهنگی و توسعه علم و دانش بوده است، مدنظر داشته است. به همین منظور در جنب این مسجد حجره های را برای فراگیری علوم پیش بینی کرد که این البته چیز نو و بدیعی نبود بلکه سنتی بود که از زمان‌های گذشته به یادگار مانده بود و در حقیقت او آن را دوباره احیا کرد و به همان عقیده ای که باید مسجد هم جایگاه عبادت و هم جایگاه علم و دانش باشد، نمایان ساخت. (شلیبی/ ۱۱۵/ ۱۳۸۷) اما اگر به عقب برگردیم و به تاریخ این استان نظری داشته باشیم تاسیس شهر سنندج و دار الحکومه و تخت نشین شدن آن باعث جذب علما به خود گردید و بسیاری از علما را در خود جمع کرد، فراهم شدن زمینه و تشویق حاکمان و والیان باعث جذب دانشمندان از مناطق مختلف شد (بابانی / ۴۷/ ۱۳۹۲)، عالمانی مانند شیخ مصطفی تختوی از روستای تخته که بسیار مشهور است، از جمله آنان است. تجمع علما در سنندج باعث مسما شدن این شهر به دارالعلم گردید که این امر با تاسیس دارالاحسان تکمیل شد. سال ۱۲۲۸ هـ. ق سال متفاوت از دیگر سالهاست چرا که این سال در تاریخ کردستان سال تاسیس و شروع فعالیت علمی و فرهنگی دارالاحسان در سنندج است که دانشمندی به مکان فراخوانده شدند تا کرسی و اداره این مرکز علمی را بعهده بگیرند عالمانی مانند شیخ محمد سعید تختوی و شیخ قسیم تختوی فرزندان شیخ مصطفی تختوی جز اولین استادان این دارالعلم می‌باشند (حیرت سجادی / علما / ۲۱۴/ ۱۳۹۱) که این عامل علاوه بر آوازه دارالاحسان به عنوان بزرگترین مرکز علمی در این شهر علاوه برداشتن دانشمندی این چنین به شهرت آن افزود و با وجود این عالمان کسانی مانند شیخ عبدالقادر مردوخ، سید عبدالرحیم تاوگوزی مشهور به مولوی کرد از شاگردان دارالاحسان هستند (مردوخ / ۱۳۹۵/ ۱۹۹).

هر چند این گوشه ای از نقش دارالاحسان می‌باشد که تاریخ آن را به قلم آورده است که قطعاً نقش و تاثیر آن خیلی بیشتر از آن بوده است. چون همیشه در تاریخ همه چیز به قلم نمی‌آید و یا اینکه از بین می‌رود و لی آنچه که مهم است این است بدانیم پشتوانه مالی این مرکز وقف و احسان بوده است که نیرو و توان حرکت را به آن بخشیده است و نیز مالی که داوطلبانه نه از روی اجبار به آن بخشیده شده است که این حرکت را دو چندان کرده است و با عالمان و فراگیران انگیزه دوچندان بخشیده است. این کار می‌توانست در جایی دیگر نیز نمود پیدا کند و اگر اعتقاد و باور به پیشرفت علم و دانش و حفظ دین و آئین در اشخاصی مانند امان الله خان نبود مانند دیگر والیان شاید بیشتر صرف کارهای بیهوده می‌شد و به خوشگذرانی مشغول می‌شد.

^۳ عبدالحمید همچنین کتاب‌های «تهذیب المنطق»، «مختصر المعانی»، «شرح نظام»، «تهذیب الکلام»، بخشی از «تفسیر بیضاوی»، «حاشیه قاضی لاری بر هدایه میبدی» و برخی کتب فقه شافعی را نزد ملا محمد مولانا خواند. محضر ملا محمد رشید مریوانی و ملا محمود مفتی را درک کرد و نزد آنان قسمتی از «جمع الجوامع» را آموخت. بعد نزد شیخ حبیب الله کاشتری، ادیب، محدث و فقیه برجسته تلمذ کرد و کتب بسیاری در فقه، اصول، تفسیر و حدیث خواند. «تحفه ابن حجر»، «تهذیب الکلام»، «جمع الجوامع» و مباحثی از تفسیر «روح المعانی» را نزد ملا عبدالعظیم مجتهد آموخت و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. بدیع الزمانی محضر استادان بنامی چون ملا عارف، حاج شیخ عبدالحمید مشکانی، ملا عبدالله مفتی دشتی، ملا سعدالدین سعدالشریعه، حیدرقلی سردار کابلی و میرزا سیف الله مستوفی نیز بهره برد. بدیع الزمانی کردستانی از ۱۳۰۰ هـ. ش به تدریس و مکتب‌داری پرداخت. از شهریور ۱۳۴۰ هـ. ش مدیر مدرسه «ممتازیه سنندج» شد. وی تسلطی اعجاب انگیز بر متون نظم و نثر عربی داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود. وی تحقیقات فراوانی درباره کتاب «قاموس المحيط» فیروزآبادی کرد.

بدیع الزمانی در ۱۳۳۵ هـ. ش در دانشکده "معقول و منقول" مشغول تدریس شد. از ۱۳۴۲-۱۳۳۸ هـ. ش مدیر روزنامه «کردستان» گردید که به "زبان کردی" در تهران منتشر می‌شد. او به زبان‌های عربی، فرانسوی و انگلیسی مسلط بود. کتاب‌ها و تعلیقات مفیدی بر کتاب‌های برجسته دارد. استاد بدیع الزمانی در ۵ آبان ۱۳۵۶ هـ. ش در تهران درگذشت.

آثار متعددی از این استاد برجسته باقی مانده که از آن جمله می‌توان به «نورالتبراس بجمع أسماء الهماس» (شامل ۴۸۶ اسم شیر است که از «قاموس المحيط» فیروزآبادی استخراج شده است)، «لامیه الکرد»، «مجموعه القصائد»، «قیدالواابد»، «بدایع الفوائد»، «معیار القروض فی علم العروض»، «مخزن الأدب فی اشعار العجم و العرب»، «منتخب قصاید فارسی»، «دیوان غزلیات فارسی»، «مثنوی بوسه نامه»، «الدروس العربیه»، «منتخب نهج البلاغه» یا «کلمات عالیات» و «شرح ضایحه طرمح بن حکیم الطائی» اشاره کرد. (نامداران علم و فرهنگ کردستان ص ۱۱۱)

شد، اگر این والی نیز دنبال خوشگذرانی بوده است در کنار آن به امر علم و دانش و دین توجهی اندکی نیز نموده است و اموال و املاکی را برای این امور وقف کرده است و به آن اختصاص داده است و می توان از این دیدگاه گفت که انصاف را رعایت کرده است و سهمی به این کار اختصاص داده است، که این بر ترغیب و تشویق دانشمندان تاثیر گذاشته است. (وقایع نگار / ۱۳۸۴/ ۳۴) عالم ودانشمند نیز در حدتوان خود افراد و عالمانی را تربیت کرده اند و تقدیم جامعه نموده اند، نباید از این نکته غافل شد که در برخی از مواقع بخشش کم ولی از خلوص نیت گاهی غوغا می کند و می تواند چراغ راه باشد مانند کورسوی در تاریکی روشنایی ضعیفی است اما بی تاثیر نیست. این سخن درباره حاکمان و والیانی است که تمام مملکت و سرزمین از مال و املاک در اختیار آنان بوده است و دنبال خوشگذرانی بودند و در این میان مقداری از اموال خود را بدون هیچ چشم داشتی وقف کرده اند تا مرکزی و محلی برقرار شود وعده ای با عشق و علاقه در آن جمع شوند و شاگردانی تربیت شوند که آیندگان از وجود آن بهره مند شوند و این یعنی اینکه نباید در جامعه علم و دانش و تعلیم و تربیت تعطیل شود و باعث خسران جامعه و رکود و انحطاط جامعه گردد.

?? - ?? ?? ?? ?? ? ? ? ? ? ? ? ? ? ?

ردیف	نام استاد	تولد	تدریس	رشته	وفات	توضیحات
۱	حاج شیخ محمد سعید تختی سنندجی	۱۱۵۲	۱۲۲۷	علوم فقه و اصول و ریاضی	۱۲۳۶	اولین مدرس دارالاحسان
۲	شیخ محمد قسیم کانی مشکانی	۱۱۶۵	۱۲۲۷	فقه و تفسیر و حکمت	۱۲۳۶	=
۳	شیخ عبدالقادر مهاجر سنندجی	۱۲۱۱	۱۲۷۱	علوم دینی فقه و حدیث و تفسیر	۱۳۰۵	
۴	شیخ عبدالمومن سوم مردوخی	۱۲۴۱	-----	امامت و خطابت	۱۳۱۴	
۵	ملا عبدالله مفتی دشی	۱۲۷۳	۱۳۰۰	علوم دینی	۱۳۴۲	
۶	ملا محمدرشید مدرس مریوانی	۱۲۹۴	۱۳۲۱	حکمت و ریاضی و هیات و نجوم	۱۳۴۷	

نتیجه گیری

دارالاحسان یکی از مساجد فعال کردستان می باشد که از بدو تاسییس در امر عبادی و آموزشی ایفای نقش کرده است و به حق می توان آن را نمونه عالی از کارکرد مساجد وقفی در ایران به شمار آورد که همچنان یکی از مراکز و نماد تمدن اسلامی می باشد. این مسجد هم نمونه هنر و معماری تمدن اسلامی می باشد که به صورت زیبا با هنر و معماری ساخته شده است و نشان از نبوغ و ذوق هنری مسلمانان در هر زمان را دارد و هم فعالیت علمی و فرهنگی و دینی و آموزشی در آن به خوبی اجرا می شود. تاثیرات این مسجد از فعالیت مستمر آن تا به امروز در جامعه اسلامی منطقه قابل مشهود است. مشاهده گردید که در زمان قاجاریه این مسجد دارالعلم و دارالملک فرهنگ مذهبی و آموزشی کردستان بود و بسیاری از علمای اهل تسنن در این مسجد تعلیم و تربیت یافتند. علاوه بر این به لحاظ سیاسی نیز نقش مهمی در انتقال فرامین و دستورهای والیان و حاکمان کردستان به مردم و تقویت و ثبات سیاسی محلی داشت و این نکته را از پیام کتیبه هایی که در آن وجود دارند، می توان دریافت. همانا این تاثیرات به واسطه پشتوانه مالی و اقتصادی موقوفه های واقفان نیک اندیش و دوراندیش بوده است که هزینه جاری و تعمیرات و نگهداری این مسجد از درآمد موقوفه های آن تامین شده و می شود تا مشکلات مالی و دغدغه آن وجود نداشته باشد. اضافه بر تامین مخارج مسجد، هزینه استادان و کمک هزینه دانشجوی و طلبه نیز بوسیله موقوفات تامین می شد تا تشویق به علم آموزی و فراگیری دانش و به طور کلی مشعل آموزش علوم اسلامی در آن پایدار بماند. بنابراین می توان گفت که اصلی ترین کارکرد وقفی مسجد دارالاحسان و نیت بانی و واقفان آن، فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی در آن و جامعیت آن برای مردم بوده است. ضمن اینکه مسجد دارالاحسان در تقویت مناسبات اجتماعی مردم کردستان و وحدت مذهبی جامعه کردنشین نقش فعالی داشته و دارد. برپایی نماز جمعه اهل سنت در این مسجد در روزگار کنونی نیز اهمیت این نکته مهم را آشکار می سازد.

منابع

- اردلان، خسرو بن محمد بن منوچهر؛ لب التواریخ؛ تهران: کانون خانوادگی اردلان، ۲۵۳۶.
- اردلان، شیرین؛ خاندان کُرد اردلان؛ ترجمه مرتضی اردلان؛ تهران: تاریخ ایران، ۱۳۸۷.
- بابانی، عبدالقادر؛ سیر الاکراد؛ تصحیح محمد رفوف توکلی؛ چ ۲، تهران: گلبانگ، ۱۳۷۷.
- سنندجی، رونق عبدالله؛ تذکره حدیقه امان الاهی؛ به کوشش خیام پور؛ تبریز: [بی نا]، ۱۳۴۴.
- سنندجی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب)؛ تحفه ناصری؛ در تاریخ و جغرافیا کردستان؛ تصحیح حشمت الله طیبی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- قاضی، ملامحمدشریف؛ زبده التواریخ سنندجی؛ به کوشش محمد رفوف توکلی؛ تهران: توکلی، ۱۳۷۹.
- کردستانی، مستوره، تاریخ اردلان؛ با مقدمه و تصحیح و تحشیه ناصر آزادپور؛ کرمانشاهان؛ چاپخانه بهرامی، ۱۳۳۲.
- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر؛ حدیقه ناصریه و مرآت الظفر؛ در جغرافیا و تاریخ کردستان؛ به کوشش محمدرفوف توکلی، تهران: توکلی، ۱۳۸۱.
- حسین زاده شانه چی، حسن، تاریخ آموزش در اسلام، قم، انتشارات بین المللی المصطفی، ۱۳۸۸.
- ۱۰- حیرت سجادی، سید عبدالحمید، علما و دانشمندان کردستان در ۲۰۰ سال اخیر، سنندج، آراس، ۱۳۹۱.
- ۱۱- =====، نامداران علم، فرهنگ و هنر کردستان، تهران پژوهشگاه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۹۲.
- ۱۲- صفی زاده، صدیق، دایره المعارف کردی (فرهنگ اعلام)، تهران، پلیکان، ۱۳۸۰.
- ۱۳- قصری، محمدکامبیز، سنندج دارالایاله کردستان ایران، سنندج، دانشگاه کردستان، ۱۳۸۱.
- مستوره کردستانی، ماه شرف، تاریخ اردلان، به کوشش ناصر آزاد پور، سنندج، نشر هه زار، ۱۳۷۹.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد، تاریخ کرد و کردستان، سنندج، شوان، ۱۳۹۵.
- میرزا حسین خان، خاطرات دیوان بیگی، محقق / مصحح: ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت، بی تا.
- نجفی، سید یدالله، جغرافیایی عمومی استان کردستان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.

The role of Darul-e-Hassan's of sanandej endowment and mosque in the field of education in the Qajar period

Abstract

The province of Kurdistan should be called the land of mosques . This naming is due to the presence of mosques in this province . Especially most of it is located in the center of the province, Sanandaj . The districts and the streets of Sanandaj have a lot of mosques and from old mosques to new mosques, it can be seen . In the meantime, some of the mosques in this city have a great role in society . In addition to its main and important role in worship, its educational and cultural role is also significant. In this article, one of them, Darul-e-Hassan mosque, which has played the most role in this field during the Qajar period, is discussed. This research, based on the document of endowments and local resources and descriptive-analytical method, seeks to find the position and function of this mosque and its endowments during the Qajar period.

Keywords: mosque, Darul-e-Hassan , sanandaj, qajar, waqf